دو فصلنامه علمی رجشمار دوره اول / شماره یک / ۱۳۹۹(۱۲۱-۱۰۵)
DOI: 10.22077/RAJSHOMAR.2020.3362.1004
مقاله پژوهشی

بررسی سیر تحول پوشش بانوان (سبک، تزئینات، نقوش) در خراسان بزرگ عصر تیموری بر اساس نگاره‌های مکتب هرات

الهه رضانژادیزدی[1]

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه تاریخ وتمدّن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (نویسنده مسئول)

چکیده

عصر تیموری یکی از باشکوه‌ترین دوره‌های تاریخی در هنر نگارگری ایران اسلامی بوده است. نگاره‌ها از با ارزش‌ترین اسناد برای شناخت و درک فرهنگ پوشش طبقات مختلف جامعه در هر می‌باشند. هنرمندان با ذوق ایرانی در شاهکارهای این عصر بانوان را در پوشش‌های فاخر و رنگارنگ به تصویر کشیده‌اند که با بررسی آن با میراثی غنی از فرهنگ پوشش اسلامی که در لابه لای تاریخ پنهان شده می‌توان آشنا شد. این پژوهش با گردآوری مطالب کتابخانه‌ای به روش توصیفی و تحلیلی سعی بر آن دارد تا به پاسخ این پرسش دست یابد که پوشش بانوان خراسان عصر تیموری چه سیر تحولی را در هر دوره پشت سر گذاشته است و عناصر اصلی و تزئینی پوشاک در این دوره چگونه بوده است. برای پاسخ به این سؤالات با بررسی دقیق وهمه جانبه مینیاتورهای این دوره و توصیف آن‌ها و تحلیل اطلاعات مستخرج شده به این نتیجه رسیده‌ایم که در دوره تیموری پوشش بانوان در هر سه دوره (شاهرخ، میرزا بایسنقر میرزا، سلطان حسین بایقرا) جنبه پوشیدگی خود را حفظ کرده است، اما به لحاظ فرم و طرح پوشش همچنین تزئینات کاربردی تغییرات بسیاری را هر دوره پشت سر گذاشته است که شامل تغییر در لایه‌های تن پوش، فرم سرپوش‌ها، کاربرد بیشترعناصر تزئینی در تن‌پوش‌ها است.

واژگان کلیدی: خراسان، عصر تیموری، نگارگری، پوشش بانوان، نقوش و تزئینات.

1- Email: Elh.rezanejad@gmail.com

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۴/۰۳)

Rajshomar Journal.Vol 1(1), 2020; 105-121
DOI: 10.22077/RAJSHOMAR.2020.3362.1004
Research Article

Investigating the evolution of women's clothing (style, decorations, and motifs) in Greater Khorasan during the Timurid period based on Herat school illustrations

Elaheh Rezanezhad Yazdi[1]
1. M.Sc. Graduated, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran (Corresponding Author)

Abstract

The Herat school of painting is often regarded as the apogee of Persian painting. Owing to the fact of the glory of the Iranian miniature in the Timurid period this study focused on the recognition of the evolution of Khorasan women's clothing in the Timurid paintings. Due to the importance of the Timurid illustrations in the recognition of the culture of clothing in the historical context, the author tried to fill the scientific gap in this field by inquiring about the evolution which has been taken place in the clothing of Khorasan women of the Timurid era. In addition, the principal and decorative elements of clothing in this period were investigated. The methodology of this research was descriptive-analytical methods, and the data was gathered through the library studies. The results of this study demonstrated that in all three periods (Shahrokh, Baysunghur, and Sultan Husayn Bayqara Mirza) of the Timurids, female's clothing has retained its function of coverage, but in terms of form and design as well as functional decorations has undergone many changes in each period. These evolution included changes in the layers of the cap, the shape of the cap, and the more attention to the decorative elements in the cap.

Keywords: Khorasan, Timurid period, miniature, women's clothes, Herat school.

1. Email: Elh.rezanejad@gmail.com

(**Date Received:** 2020/05/06 - **Date Accepted:** 2020/06/23)

مقدمه

با ظهور تیمور در عرصه سیاسی و حملات گسترده او به اقصی نقاط پایتختش سمرقند میزبان سرمایه‌های فرهنگی و علمی کشورهای مفتوحه شد. در این فضای مملو از پویایی هنری سمرقند اولین جوانه‌های مکتب هرات را در دل خود جای داد. با مرگ تیمور (۸۰۷ ه.ق) شاهرخ هرات را پایتخت سیاسی و فرهنگی قرارداد و با برپایی مجالس و مراکز علمی و تکریم عالمان فاضلان هرات را مأمنی برای فراگیری علوم و فنون و اقسام هنرها در دوره خود نمود. همگام با شاهرخ، بایسنقر میرزا شاهزاده هنرمند و هنرپرور تیموری افق‌های جدیدی را پیش روی هنر نگارگری ایران گشود. در عهد سلطان حسین بایقرا هنر نگارگری به اوج شکوفایی خود رسید. پوشش بانوان در هر مرزوبوم نشان‌دهنده فرهنگ و آداب‌ورسوم یک جامعه هست که پرداختن بدان در شناخت و تحلیل جامعه روزگار آنان بسیار مؤثر است در این میان تصاویر و مینیاتورها یکی از بهترین منابع هنری در هر دوره است. پوشش بانوان از مهم‌ترین مسائل موردتوجه در تمام دوره‌های تاریخی است و نگارگران ایرانی درحالی‌که زیبای و لطافت بانوی ایرانی را به تصویر کشیده‌اند درعین‌حال به پوشیدگی و مستوری او نیز توجه داشته‌اند. برای شناخت سبک پوشش بانوان و سیر تحول پوشش بانوان از دوره شاهرخ تا سلطان حسین بایقرا بهترین منبع نگاره‌های برجای‌مانده از این دوره است که با بررسی آن می‌توان سیرتحولی را در این دوره مشاهده نمود. در نگاره‌های دوره تیموری بانوان در پوشش‌های رنگارنگ و فاخر در مجالس درباری و گاه در تفرجگاه‌ها در حال گشت‌وگذار و گاه در جشن و سرور به تصویر درآمده‌اند. پژوهش‌هایی به‌منظور بررسی پوشش در دوره‌های مختلف صورت گرفته است، ازجمله کتب: هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی، مهر آسا غیبی ۱۳۸۷، تاریخ پوشاک ایرانیان، وجیهه قپانداران ۱۳۸۹، کتاب تاریخ لباس ایران، خانم شبنم رنج دوست و پوشاک ایرانیان از چهارده سده پیش، همچنین مقالاتی چون «بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامهٔ بایسنقری و شاه‌طهماسبی» مریم انصاری یکتا و رضوان پیام احمدی ۱۳۹۳ که پژوهشگران به بررسی پوشاک در شاهنامه بایسنقری پرداخته‌اند و دیگر نگاره‌ها مورد ارزیابی قرار نگرفته است در مقاله «پوشاک زنان در دوران تیموری» فائقه شیرازی ۱۳۷۰ نیز به‌صورت محدود نگاره‌های دو کتاب مدنظر قرارگرفته است. مقاله «بررسی جایگاه اجتماعی بانوان با تأکید بر پوشش بانوان در نگاره‌های عصر تیموری» الهه رضانژاد یزدی و دیگران ۱۳۹۶ پژوهشگر به بررسی جایگاه اجتماعی بانوان دربار، اشراف و خدمه بر اساس پوشش آنان در نگاره‌های عصر تیموری پرداخته است و بیشتر طبقه و موقعیت اجتماعی بانوان در این مقاله مطرح است تا سیر تحول پوشاک در عصر تیموری. تفاوت این پژوهش با دیگر پژوهش‌های صورت گرفته در این است که هیچ‌کدام از این پژوهش‌ها به‌صورت تخصصی به توصیف و بررسی سیر تحول پوشش بانوان از دوره شاهرخ تا عصر سلطان حسین بایقرا همچنین تغییرات به‌عمل‌آمده در سبک، نقوش و تزئینات البسه بانوان در خراسان عصر تیموری نپرداخته‌اند و بیشتر به‌صورت کلی یا فقط در حد نگاره‌های یک یا چند منبع به بررسی پوشش بانوان در این دوره پرداخته‌شده است و این امر ضرورت انجام این مقاله را برای شناخت بهتر سبک پوشش بانوان در دوره تیموری و تغییرات آن در دوره‌های مختلف زمانی را مشخص می‌نماید. پژوهش حاضر با روش توصیفی و تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مراجعه به منابع مکتوب و عکس‌برداری از کتب صورت پذیرفته است.

۱- فرهنگ و هنر در عصر تیموری

الف: سمرقند نگین شهرهای تیموری

بعد از فروپاشی حکومت مغولان یکی از اعقاب آنان تاخت‌وتاز خود را به ایران و سرزمین‌های اسلامی به‌منظور فتح و کشورگشایی آغاز نمود. حملات سهمگین تیمور (۸۰۷-۷۷۱ ه.ق) در ادامه گسترش امپراتوری به ایران ویرانی‌های زیادی را در تمامی ابعاد و شئون زندگی مردم در پی داشت. تیمور برخلاف روحیه خشن و خوی نظامی‌گری که داشت به موضوعات چون ادبیات، هنر، موسیقی و صنعت توجه و علاقه نشان می‌داد. از موضوعات دیگری که تیمور به آن‌ها علاقه خاصی داشت طب و نجوم بود. (آژند، ۱۳۸۷: ۹۶). درحالی‌که

سالیان بسیاری را تیمور درصحنه‌های نبرد گذرانده بود اما این نکته را دریافته بود که اقتدار و عظمت امپراتوریش درگرو حمایت از فرهنگ، هنر و توجه به پرورش استعدادهای آنان است. (کاووسی، ۱۳۸۷: ۲۴). هنگامی‌که تیمور سمرقند را به‌عنوان پایتخت برگزید باپشتکار فراوان به ترمیم بازسازی شهر پرداخت و در داخل شهر بناهای عمومی مانند: حمام، کاروان‌سرا، مساجد، آب‌انبارهای و ... را برای استفاده مردم بر پا نمود (موگوئی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۴۰). تیمور در فتوحات گسترده خود در هر شهر منطقه معماران و پیشه‌وران و هنرمندان طراز اول و زبده هر شهر را گلچین می‌نمود و در سمرقند اسکان می‌داد و این اجتماع نوابغ و هنرمندان در سمرقند زمینه را برای پدیدار شدن مکتب هنری هرات فراهم نمود. هنگامی‌که تیمور عراق را فتح نمود ماهرترین و زبده‌ترین استادان هر هنر را که از آن جمله استاد نقاشان عبدالحی بغدادی را می‌توان نام برد به سمرقند کوچ داد (ابن عربشاه، ۱۳۵۶: ۳۱۴) باوجود حضور گسترده هنرمندان و نقاشان در سمرقند از دوران تیمور هیچ‌گونه نسخه خطی باقی نمانده تا بتوان شکوه و عظمت نگارگری سمرقند را احساس نمود. تیمور در سال ۸۰۷ ه.ق در حالی چشم از جهان فروبست، که سرزمین‌های گسترده‌ای از کاشغر تا مصر و از هند تا قلب روسیه را برای ورثه خود بر جای گذاشت (فرهانی منفرد، ۱۳۸۲: ۶۲).

ب: هرات پایتخت فرهنگ و هنر در دوره شاهرخ

منازعات و درگیری میان شاهزادگان تیموری آخر امر با مرگ خلیل سلطان و در پی آن قتل سلطان حسین و پیرمحمد و سلطنت شاهرخ دریکی از ایالت‌های امپراتوری تیموری یعنی خراسان و شهر هرات خاتمه یافت (جکسن،۱۳۷۸: ۱۱۱). شاهرخ پس از به قدرت رسیدن به نوسازی هرات اهتمام ورزید .حصار شهر، بازار، خانقاه و قلعه هرات به دستور او مرمت و بازسازی شد. (فیاض انوش، ۱۳۷۶: ۱۸). شاهرخ هنرمندان و نقاشان تیمور را از سمرقند به هرات منتقل نمود و با کمک آنان کارگاه‌های درباری را در شهر هرات رونق بخشید. این کارگاه‌ها محلی جهت تعامل و هم‌فکری اهل فضل و هنر ازجمله خوش نویسان، مذهبان، جلدسازان، کاغذ سازان، طراحان، نقاشان، دانشمندان و ادیبان و شاعران بود (محمدی،۱۳۶۰: ۲۰۹)

یکی از مهم‌ترین رویدادهای فرهنگی و تجاری در این دوره ارتباط با چین است. به امر شاهرخ برای ارتباط با چین هیئتی به همراهی امرا و شاهزادگان به آنجا اعزام شد که غیاث‌الدین نقاش مأمور به کشیدن تصاویر از دیدنی‌های این سفر شد (زکی، ۱۳۳۸: ۴). با تأسیس کارگاه کتاب سازی شاهرخ آثار بدیع و بی‌نظیری در محیط هنری هرات پدید آمد که این امر بی‌شک در سایه حمایت از هنر و هنرپروری امکان‌پذیر نبود. از شاهکارهای این دارالصنایع باشکوه می‌توان به معراج نامه[1] اشاره نمود. متن این اثر گران‌سنگ را میربخشی (ملک بخشی) خطاط به خط ترکی نوشته شده است. (محمدی،۱۳۶۰: ۲۱۵) نسخه بی‌همتای دیگری که در کارگاه هنری شاهرخ پدید آمد و گرایش شدیدی به هنر نگارگری گذشته در آن نمایان است مجمع التواریخ[2] حافظ ابرو است.

ج- دارالحکومه بایسنقرمیرزا تجلی‌گاه مکتب هرات (۷۹۹-۸۳۷ه.ق)

بایسنقر میرزا یکی از شاهزادگان هنردوست و هنرپرور، پسر شاهرخ و ملکه گوهرشاد خاتون در سال ۷۹۹ در هرات چشم به جهان گشود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ج۱، ۱۲۳). بایسنقر میرزا از همان عنفوان نوجوانی در عرصه سیاسی برای شاهرخ یاری وفادار در جنگ‌ها و فردی امین در امور دیوانی واداری و مشاوری شجاع و باتدبیر بود (اسکندری، ۱۳۸۳: ۲۰۰). به خاطر علاقه به کارهای هنری، بیشتر اوقات خود را میان هنرمندانی که در دربار مشغول بودند می‌گذراند و در مجالسی که با شرکت بزرگان، ادبا، دانشمندان، هنرمندان و موسیقی‌دانان تشکیل می‌شد شرکت می‌کرد، تشویق و حمایت‌های بایسنقر میرزا از هنرمندان راه ترقّی و پیشرفت هنر را هموارتر می‌ساخت (رحم خدا، ۱۳۹۵: ۱۰۶). بایسنقر میرزا در هرات با بنیان‌گذاری کتابخانه و کارگاه سلطنتی در باغ سفید و جذب هنرمندان آثار ارزنده و نفیسی را خلق نمود. کتابخانه بایسنقر میرزا در هرات از دو بخش کتابت خانه که مخصوص خطاطان و صورت خانه برای مصوران و نگارگران تشکیل‌شده بود (آژند، ۱۳۸۶: ۱۸). دولت شاه سمرقندی در

کتاب خود می‌نویسد: «هنرمندان را عنایت‌ها کردی و شعرا را دوست داشتی و در تجمل کوشیدی و ندیمان و جلیسان باظرافت داشتی.. و شعر ترکی و فارسی را نیکو گفتی و فهمیدی و به شش خط نوشتی» (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۳۸: ۸۳۷). از علائق دیگر بایسنقر میرزا هنر خوشنویسی بود که خود نیز در این هنر زبردست بود. از یادگارهای هنری بایسنقر میرزا درزمینه خوشنویسی می‌توان به کتیبه‌های قرآنی ایوان مسجد گوهرشاد که با قلم سحرانگیز خود نوشته، اشاره نمود (شایسته فر، ۱۳۸۱: ۹۵). کانون هنری بایسنقر در هرات بنام دارالصنایع کتاب سازی معروف بود و کتاب‌های پدید آمده در دوره بایسنقری شامل نفیس‌ترین مینیاتورها و استادانه‌ترین خوشنویسی‌ها هستند. یکی از ارزشمندترین آثار نسخه‌ای از گلستان سعدی به تاریخ ۸۳۰ ه.ق/ ۱۴۲۶م که در مجموعه آقای آ. چستر بیتی است. دلیل اهمیت این نسخه در مهر بایسنقری و خطاطی جعفر بایسنقری است که به امر بایسنقر میرزا از تبریز فراخوانده شد تا ریاست بخشی از کتابخانه او را در هرات بر عهده بگیرد (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۱). از شاهکارهای دیگر این دوره نسخه شاهنامه بایسنقری که در سال ۸۳۳ ه. ق در کتابخانه‌ی بایسنقری تهیه‌شده و شامل ۲۲ تصویر است که کتابت آن را جعفر تبریزی (جعفر بایسنقری) انجام داده است و امروزه در کتابخانهٔ ی گلستان نگهداری می‌شود (رهنورد، ۱۳۸۶: ۶۸). بایسنقر میرزا شاهزاده‌ای که جان و روح او باهنر آمیخته‌شده بود در سن ۳۵ سالگی به سال ۸۳۷ه.ق درگذشت و میراثی که او از خود بر جای گذاشت الگوی برای هنرپروران و سلاطین بعد از او شد.

د- دوره سلطان‌حسین بایقرا اوج شکوفایی هنر نگارگری

یکی از باشکوه ترین دوره‌های فرهنگ و تمدن خراسان عصر تیموری دوره فرمانروایی سلطان حسین بایقرا از بازماندگان عمر شیخ فرزند تیمور بوده است. حکومت سی‌وهشت‌سالهٔ او بر هرات یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر و فرهنگ و ادب در ایران‌زمین بوده است (آژند، ۱۳۸۷: ۱۸۲). باروی کار آمدن سلطان حسین بایقرا و حمایت او از هنرمندان و عالمان شاهد تحولی عظیم در هنر و هنرپروری در عصر تیموری هستیم چنان‌که بابر در یادداشت‌های خود نوشته است، هرات در زمان سلطان حسین بایقرا در جهان تالی نداشت. هنرمندان ازجمله نقاشان و خطاطان ماهر و متبحر با حمایت و ترغیبت او به هرات جذب می‌شدند و این امر رونقی دوباره به کتابخانه سلطنتی که رو به افول گذارده بود، بخشید (آژند،۱۳۸۴: ۹۳). درکتابخانهٔ سلطنتی در این دوره نیز با دو بخش مجزا روبرو هستیم بخش صورت خانه که در آن برای کتب نوشته‌شده نقاشی صورت می‌گرفت و دیگر بخش کتابخانه که در آن آثاری به نگارش درمی‌آمد و ریاست این بخش‌بر عهدهٔ سلطان‌علی مشهدی بود. کتابخانه‌ها در این دوره نقشی قاطع در تربیت و شکوفا کردن استعداد خطاطان و کاتبان و تولید آثار هنری داشته‌اند. (آژند،۱۳۸۷: ۲۱۳). در دربار سلطان حسین بایقرا و وزیر اندیشمند او امیر علیشیرنوایی بزرگ‌ترین هنرمندان و اساتید مطرح ایرانی ظهور پیدا کردند (زکی، ۱۳۳۸: ۵۴). در این دوره اساتیدی همچون استاد قاسم علی چهره‌گشا، ملا حاجی محمد، خواجه میرک نقاش و بزرگ‌ترین استاد نقاشی ایران و مشهورترین نگارگر عصر تیموری استاد کمال‌الدین بهزاد، به خلق آثاری جاودانه پرداختند (دوغلات،۱۳۸۳: ۱۲۳).

۲- ویژگی‌های پوشش و آرایش بانوان در دوره تیموری

پوشش انسان جدا از کارکرد پوشیدگی و مستوری کارکردهای دیگری ازجمله نشان دادن فرهنگ یک قوم و ملت را نیز دارا است. هنگامی‌که مغولان بر ایران مسلط شدند به آداب‌ورسوم و فرهنگ خاص خود مانند پوشش بانوان، آزادی‌های اجتماعی و ... پایبند ماندند. بانوان مغول به دلیل زندگی کوچ‌نشینی و مشارکت بالا در امور اجتماعی در مقایسه با بانوان ایرانی از آزادی عمل بیشتری در نوع پوشش و سبک زندگی خود برخوردار بودند . به دلیل سبک زندگی مغولان پوشش زنان به مردان شباهت فراوان داشت و بانوان از سرپوشی برای حجاب استفاده نمی‌کردند. ابن‌بطوطه در سفرنامه خود پوشش بانوان را این‌گونه بیان می‌کند که بانوان مغول لااقل تا پایان قرن هفتم بی‌حجاب بوده‌اند (ابن‌بطوطه، ۱۳۷۰: ۶۶).

حضور اجتماعی و سیاسی بانوان مغول همچنین نوع پوشش آنان تأثیر زیادی در وضع پوشش بانوان ایرانی در آن دوره

داشته است به حدی که حاکم هرات فخرالدین کرت با دیدن اوضاع ناگزیر شد که با صدور قوانینی لزوم حجاب بانوان را در سرزمین تحت فرمانروایی خود اعلام کند (اشپولر، ۱۹۵۳: ۳۶۹). اما چنین به نظر می‌رسد که عامه بانوان ایرانی بر لزوم حفظ حجاب تأکید داشتند چنانکه کلاویخو هنگام گذر از تبریز پوشش زنان را در معابر این‌گونه بیان می‌کند: «جامه زنان در خیابان عبارت است از پارچه سفیدی که سراپای آن‌ها را می‌پوشاند و نقابی از موی اسب که بر چهره می‌افکندند تا هیچ‌کس آنان را نشناسد (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۱۶۲). سفیر اسپانیا کلاویخو گونزالس در ایران هنگامی‌که دریکی از مجالس و ضیافت‌های تیمور دعوت‌شده بود درباره‌ی طرز پوشش بانوی اول تیمور در سفرنامه خود چنین می‌نویسد: «جامهٔ این خانم از پرند سرخ زری‌دوزی شده و بسیار گشاد بود و دامنی بلند داشت که به زمین می‌کشید این جامهٔ بی‌آستین بود، یقهٔ پیراهن تا بالا بسته بود.خانم‌بزرگ به چهره نقابی نازک و سفید داشت و بر روی سرش چیزی شبیه «کلاه‌خود» قرار داشت که از پارچهٔ سرخ تهیه‌شده بود و کنار آن بر روی شانه‌هایش افتاده بود، قسمت پشت خود بلند با مرواریدهایی گران‌بها آرایش‌شده بود» (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۶۵).

بانوان اشراف در این دوره نوعی بالاپوش یا ردای بسیار بلند بر روی شانه‌های خود می‌انداختند که بلندی آن تا پشت پا می‌رسید و باپوست‌های گران‌بها و نقوش زیبا تزئین می‌شده است. در این دوره لایه‌های متعددی از تن‌پوش را روی‌هم بر تن می‌نمودند که تنها با برش‌های در قسمت یقه یا آستین قابل رؤیت بود و تعدد لایه‌ها در این دوره نشان از تجمل‌گرایی مغولان دارد. در دوره تیموری بانوان از لوازم‌آرایش و انواع عطر بسیار استفاده می‌نمودند چنانکه کلاویخو در سفرنامه خود بیان می‌کند که بانوان تبریزی برای تهیه لوازم‌آرایش و عطریات به کاروانسراها می‌رفتند زیرا آنان عطر و روغن بسیار بکار می‌برند. بانوان در این دوره برای آراستن خود در مجالس از انواع زیورآلات مانند: گوشواره، انگشتر، دستبند و گردنبند از جنس طلا و نقره استفاده می‌نمودند (راوندی،۱۳۸۲، ۷۸). مرواریدهای که بانوان برای تزئین پوشش و آراستگی سرو گردن در این دوره به کار می‌بردند همگی از چین وارد می‌شد و در شهرهای سلطانیه و تبریز آن را به انگشتر و گوشواره‌های زیبا تبدیل می‌نمودند. (کلاویخو،۱۳۳۷: ۱۷۰). در دوره تیموری دوخت البسه تغییر و تحول شگرفی را پشت سر نهاد. روابط تجاری تیموریان با چین علاوه بر اینکه بر هنر این دوره تأثیر داشته بر طرز پوشش بانوان و همچنین چگونگی برش و دوخت تن‌پوش‌های آنان نیز بی‌تأثیر نبوده است و این‌گونه تأثیرات را می‌توان در مینیاتورهای این دوره خصوصاً دوره شاهرخ مشاهده نمود. روشی جدید در دوخت تن‌پوش به طرز دوره «سونگ[۳]» در ایران آن دوره متداول شد. خیاطان چینی دوخت به روش امروزی و بر مبنای سایز و قالب تن فرد را در ایران رواج دادند و اصطلاحاتی تازه مانند: بوقچه چی[۴]، الگو و اتو[۵] در خیاطی متداول گردید (غیبی،۱۳۸۷: ۳۵۳). این روش دوخت در اول امر مختص شاهزادگان و درباریان و نجبای تیموری در هرات بود که هرکدام یک «قیچی خانه» برای دوخت و تزئین البسه به‌صورت اختصاصی داشتند و بعدها این روش میان عامه مردم متداول گردید (راوندی، ۱۳۸۲: ۷۴). در نگاره‌های مصور شده طرح‌های زیبای از یقه یا «یاقه» که از روش‌های تازه خیاطی چینی در این دوره بود و کمربندهای طلایی و شال‌های سفید و رنگی که جنبه زیبای داشت، قابل‌مشاهده است.

۳- مؤلفه‌های پوششی بانوان در عصر تیموری

بانوان در این دوره تن‌پوش‌های مختلفی را ازلحاظ فرم و طرح و تعدد لایه بر تن می‌کردند. در تصاویر نگاره‌ها، آنان لایه‌های متعدد و متنوعی را بر روی‌هم می‌پوشیدند که لایهٔ رویین به‌واسطه‌ی یقه یا آستین‌های کوتاه باعث نمایان شدن لایهٔ‌های دیگر تن‌پوش بوده است. تن‌پوش‌ها درحالی‌که همواره باعث پوشیدگی و مستوری بانو می‌شد درعین‌حال وقار و نجابت و زیبای او را هم حفظ می‌کرده است. انواع لایه‌های تن‌پوش بانوان در عصر تیموری بدین شرح است:

۱-۳. ردا: رداها به‌صورت گشاد که بلندی آن تا پشت پا رسیده و سرتاسر بدن بانوان را می‌پوشاند. بلندی آستین‌های ردا تا پایین ردا می‌رسد. حاشیه‌ی ردا در برخی تصاویر نگاره‌ها با خز تزئین شده است.

۲-۳. قبا: در این دوره قبا بر دو نوع بوده: الف. قبا با قدکوتاه، جلوی بسته با شکافی در جلو دامن ب. قبای بلند با آستین کوتاه و جلوباز که در برخی موارد گرداگرد یقه پوست دوزی شده است (قپاندارن، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

۳-۳. پیراهن و پیراهن زیرین: پیراهن‌ها در این دوره عموماً با آستین‌های نسبتاً تنگ و گاهی بسیار بلند که در زیر قباهای آستین کوتاه و بلند پوشیده می‌شدند (کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۶۹). پیراهن زیرین با یقه‌ای غالباً گرد ساده که در بیش‌تر مینیاتورهای متعلق به آن روزگاران، از زیر پیراهن رویی نمایان است. پیراهن زیرین نزدیک‌ترین تن‌پوش به بدن است، پارچه این پیراهن از پارچه‌ی گل‌دار و یا ساده تیره و یا رنگی بوده است (همان: ۳۶۸)

۴-۳. شلوار: یکی دیگر از اجزاء تشکیل‌دهنده تن‌پوش بانوان شلوار است. در برخی نگاره‌ها از زیر تن‌پوش بلند و گشاد بانوان مقدار کمی از قسمت دم پا دیده می‌شود. لبه‌ی شلوارها مقداری چین‌خورده و رنگ‌بندی متنوعی دارد.

بانوان در این دوره با سرپوشهای مختلفی ازلحاظ فرم و مدل به تصویر درآمدند. در نگاره‌های این دوره انواع مختلفی از تاج‌ها با تزئیناتی چون مروارید، جواهرات و کلاه‌های بزرگ با پرهایی به رنگ سفید و مشکی به چشم می‌خورد. بانوان در تصاویر نقش بسته از مقنعه‌های سفید با سربندهای بلند همچنین چادری آبی به سبک امروزی استفاده می‌نمودند. در نگاره‌های عصر تیموری پاپوش‌ها با طرح‌ها و رنگ‌های زیبا بر پای بانوان به چشم می‌خورند در برخی از نگاره‌ها چکمه‌های بلند با تزئینات طلایی و از جنس چرم خودنمایی می‌کند.

۴- سیر تحول پوشش بانوان در نگاره‌های مکتب هرات

منابع تاریخی اندکی به نوع پوشش و آرایش بانوان در این دوره پرداخته‌اند و یگانه منبع ما برای شناخت، نگاره‌های نقش بسته در آثار هنرمندان این عصر است که با بررسی این آثار می‌توان به سبک پوشش بانوان در دوره‌های تیموری دست‌یافت. در این پژوهش مینیاتورهای از معراج نامه، شاهنامه بایسنقری، کلیله و دمنه بایسنقری، دیوان خواجوی کرمانی، دیوان امیر علیشیرنوای و مرقع گلشن مورد بررسی قرار گرفته است.

الف: پوشش بانوان در مینیاتورهای دوره شاهرخ

برای بررسی سبک پوشش بانوان و تزئینات و نقوش البسه در دوره شاهرخ بهترین منبع نسخه ارزشمند معراج نامه میرحیدر است. برای تحلیل پوشش بانوان در مرحله اول به پوشش سر سپس پوشش تن و پوشش پا به ترتیب پرداخته می‌شود. در نگاره‌های نسخه معراج نامه پنج نوع سرپوش به چشم می‌خورد. نخست: کلاه گرد که در ناحیه جلوی سر با سه الی چهارپر تزئین شده است. دوم: تاج طلایی با لبه‌های ذوزنقه‌ای و مزین به جواهر به رنگ قرمز. سوم:کلاه حصیری ساده به سبک چینی. چهارم: کلاه گنبدی شکل با تزئین گل‌های رنگی و برگ‌های سبز. پنجم: کلاه‌های کشیده مغولی شبیه به پرنده با باله‌ای برافراشته شده و ششم پارچه‌ای ساده که فقط بالای سر را پوشانده است (تصویر ۱و۲).

در نگاره‌های مجمع التواریخ بانوان با سرپوش‌های به شکل مقنعه امروزی به چشم می‌خورند (قپاندارن، ۱۳۸۹: ۳۷۶) که روی مقنعه سربندی به‌صورت نوار بسته شده است و مقنعه سر و گردن را به صورت کامل پوشانده است (تصویر ۳). در نگاره مجمع التواریخ مقنعه‌ها به رنگ‌های سفید و اکر بر سر بانوان در داخل کشتی خودنمایی می‌کند. به نظر می‌رسد سرپوش بانوان در دوره شاهرخ تحت تأثیر هنر چینی دوره مینگ اغلب به‌صورت تزئینی بوده است و جنبه پوشیدگی سر و گردن را در برنداشته است.

تن پوش بانوان در این نسخه خطی معراج نامه از سه سبک تشکیل‌شده است. نخست: ردای با آستین‌های بلند و بدون یقه که کاملاً روی پا را پوشانده است و در زیر آن بانوان پیراهن های بلند بر تن کرده‌اند. دوم: قباهای کوتاه تا سر زانو با آستین‌های کوتاه که قسمت جلو به‌صورت رو هم گرد بر روی‌هم قرارگرفته و در ناحیه حلقه وصل می‌شوند و در زیر آن بانوان پیراهن‌های رنگین بر تن دارند و این تن‌پوش تداعی‌کننده پوشش بانوان چینی است. (تصویر ۱) سوم: قبای کوتاه تا قسمت زانو و آستین‌کوتاه و زیر پیراهن بلند که تا پشت پا می‌رسد. چهارم: قباهای کوتاه تا سر زانو با دولایه پیراهن بلند که قد پیراهن دوم کوتاه‌تر است و پایین پیراهن سوم به‌خوبی نمایان است و رنگ‌های گرم و تند آن بسیار

خیره‌کننده است. در نگاره‌های معراج نامه پوشش بانوان بدون نقش و بسیار ساده است و در ذهن انسان بی روحی و زمختی را تداعی می کنند و از لحاظ رنگ‌بندی تن‌پوش‌ها بارنگ‌های عمیق و گرم طراحی‌شده است (پوپ، ۱۳۸۷: ۷۵).

در بررسی پاپوش در نگاره‌ها این دوره بر پای بانوان جوراب‌های سفیدی به چشم می‌خورد و برخی از بانوان صندل‌های به سبک چینی به پا دارند (جدول شماره ۳). تزئینات به‌کاربرده شده در تن پوش برخی از بانوان نوعی کمربند چرمی با قطعات فلزی طلایی به شکل گل پنج پر و مربع با نقش لوزی که روی قبا بسته شده است (تصویر ۱-۲). بانوان در این دو نگاره بدون هیچ‌گونه زیورآلاتی به تصویر درآمده‌اند و به نظر می رسد تاج سر و کمر بند جزء زیورآلات بانوان محسوب می شود. همان‌گونه که نگاره‌های معراج نامه تحت تأثیر نگارگری گذشته (ایلخانی) است پوشش بانوان نیز تحت تأثیر آن بسیار ساده با لایه‌های کم و پارچه‌های البسه بانوان بدون نقش و نگار و تزئینات به تصویر درآمده است. (تصویر ۳).

تصویر ۱: دیدار پیامبر از بهشت، Marie_ rose (seguy1936-1937) (45:

تصویر ۲: دیدار پیامبر از بهشت، Marie_ rose (seguy1936-1937:) (45

تصویر ۳: کشتی نوح، (www. Davidmus.dk ,5/22/2019)

ب: پوشش بانوان در مینیاتورهای دوره بایسنقرمیرزا

در نگاره‌های دوره بایسنقر میرزا شاهد نوعی دگرگونی شگرف در سبک پوشش و تزئینات البسه بانوان مصور شده هستیم. از بهترین منابع برای تحلیل سبک پوشش بانوان در این دوره شاهکارهای زیبای این عصر شاهنامه بایسنقری، شاهنامه محمد جوکی، خمسه نظامی و خواجوی کرمانی است. برای تحلیل پوشش بانوان در این دوره در مرحله اول به پوشش سر سپس پوشش تن و پوشش پا به ترتیب پرداخته می‌شود. در شاهنامه بایسنقری پوشش سر بانوان از تنوع بسیار فراوانی نسبت به دوره شاهرخ برخوردار است. نخست: تاج با پایه‌ای بلند و کشیده، مزین به جواهر به همراه روسری سفید با نقوش هندسی که تا سرشانه امتداد دارد(تصویر ۴). دوم: تاج کلاه با تزئین پر و جواهر با لبه‌های تیز برگ گونه با روسری ابریشمی سفید با سه لایه که بر روی‌هم قرارگرفته‌اند. سوم: روسری و عرقچین ساده یا منقش به نقوش هندسی (لوزی، دایره، مربع) و خطوط مورب که اغلب تا سرشانه بانوان می‌رسد (تصویر ۴). چهارم: کلاه‌های کوچک با کشیدگی تیزی شکل که به پشت سر رفته و در پشت به‌صورت لایه‌های بر روی هم قرارگرفته‌اند و دسته‌های مشکی که دو طرف صورت بانو را در برگرفته با نخی در زیر گردن محکم می‌شود (تصویر ۵) که با مرواریدهای کوچکی و نقوش دایره‌ای به رنگ طلایی تزئین شده است. پنجم: دستارهای رنگی چندلایه بلند با مروارید در زیر چانه بسته شده است.

در نگاره‌های این دوره نیز کلاه های به سبک مغولی بر سر بانوان قابل مشاهده است اما به نسبت عصر شاهرخ با تنوع در فرم و رنگ بندی همراه است (جدول شماره ۴). در نقاشی کلیله‌ودمنه بایسنقری روسری سفید کوتاه و عرقچین که روی آن روسری بلند و حریر موهای بلند و مشکی بانو را در برگرفته است با مرواریدهای سفید تزئین شده است (تصویر۶). هفتم: روسری

سفید کوتاه با عرقچین سفید که در کنار گوش دسته‌های سفیدرنگ پارچه‌ای با جواهر تزئین شده است (تصویر۷). هشتم: کلاه‌های رنگی کوچک با سربندهای همرنگ با تزئین مروارید (تصویر۹) که این سرپوش‌ها به زیبایی در نگاره‌های این شاهنامه فاخر نقش بسته است. در نسخه شاهنامه محمد جوکی در نگاره نجات بیژن از چاه به‌وسیله رستم، بانو روسری سفید با چادر آبی‌رنگی بر سر دارد (تصویر۱۰). ا ین چادر شباهت بسیاری به چادر امروزی بانوان ازلحاظ فرم، برش و نوع استفاده دارد.

تصویر ۴: دیدن دختران جمشید توسط فریدون (مجموعه مینیاتورها و صفحات شاهنامه بایسنقری، ۱۳۷۰: ۷۲)

تصویر ۵: دیدار گلناز کنیز و گنجور اردوان با اردشیر، (کرباسی و دیگران، ۱۳۸۴: ۶۴)

در بررسی نقاشی‌های نسخه خطی خواجوی کرمانی تاج کلاه‌ها و تاج‌های مختلفی را مشاهده می‌کنیم که ازلحاظ فرم و پایه مشابه هم هستند. نخست: تاج کلاه طلایی با گنبد میانی سبزرنگ که در انتهای آن نوار ظریفی آویزان است. دوم: تاج طلایی با لبه مثلثی شکل که قسمت جلوی تاج پهن‌تر و بزرگ‌تر و هر چه به سمت پشت می‌رود کوچک‌تر و ظریف‌تر می‌شود. سوم: نیم تاج طلایی که در روی آن بانو روسری کوتاه سفیدی بر سرکرده است (تصویر۸) چهارم: تاجی طلایی‌رنگ که در زیر آن روسری قرمز رنگی بسته شده است و دسته‌های مشکی‌رنگ کنار صورت را در برگرفته است. در نگاره بهرام گور در خمسه نظامی بانوان روسری‌های سفید با نقوشی هندسی (لوزی و مربع) به رنگ آبی و قرمز با لبه‌های به‌صورت هلالی بر سرکرده‌اند و موها و گردن آنان نمایان است (تصویر ۱۱). تزئین مروارید در سرپوش بانوان به‌نوعی جزو زیورآلات آنان محسوب می‌شود و برای آراستگی و زیبایی از آن بهره جسته‌اند. به نظر می‌رسد در فاصله میان نگاره‌های عصر شاهرخ و بایسنقر میرزا سرپوش بانوان از حالت تزئینی به‌آرامی به سمت پوشیدگی سوق داده‌شده است (جدول شماره ۴).

تن پوش در شاهنامه بایسنقری با سبک‌ها و تزئینات چشم‌نوازی به تصویر درآمده‌اند که در بررسی نگاره ها چهار نوع پوشش به چشم می‌خورد. اول: ردا بارنگ‌های گرم و روشن که بلندی آن تا پشت پا می‌رسد و با انواع خز و پوست تزئین شده است. بر روی برخی از رداها نقوشی به شکل برگ کوچک سبز (تصویر۴) و گل‌های طلایی چند پر (تصویر ۷) به چشم می‌خورد. در زیر ردا پیراهن‌های آستین‌بلند به رنگ روشن با پارچه‌های ساده که برخی از آنها با گل‌های پنج پر و یقه‌های بلند به همراه زیرپیراهنی سفیدرنگی به چشم می‌خورد (تصویر ۴). دوم: قباهای بلند، اندامی و جلوبسته با یقه‌های هفت کوچک که در سرشانه‌های آن نقوشی اسلیمی شکل به همراه گل‌های ظریفی زری‌دوزی شده است (تصویر۷) در برخی از این البسه نقوش هندسی دایره‌ای شکل بارنگ‌های طلایی نقش بسته است. سوم: پیراهن‌های ساده، بلند و منقش کوتاه با شالی بر روی کمر که بر تن ندیمه‌ها و خدمتکاران به چشم می‌خورد. چهارم: قباهای گشاد و بلند جلوباز با نقوش هندسی و بدون یقه . پنجم: قباهای بلند با آستین‌های کوتاه و یقه‌های هفت کوچک که بر روی آن ما نقوش با طرح مرغابی و گل به چشم می‌خورد. در عصر تیموری انواع پارچه از جنس دیبا با تار پود طلا و نقره با اشکال پرندگان مطابق شیوه چینی تزئین شده است (حقیقت، ۱۳۶۹: ۳۶۹) که این اشکال حیوانی در نگاره‌های این دوره نیز دیده می‌شود (تصویر۹) .

تصویر ۶: شیر دختر امیر را می کشد، (مجموعه مینیاتورها و صفحات شاهنامه بایسنقری، ۱۳۷۰: ۷۰)

تصویر ۷: باز آمدن منذر و گرفتن بهرام گور (کرباسی و دیگران،۱۳۸۴، ۶۳)

در نگاره‌های کلیله و دمنه دو نوع پوشش بر تن بانوان مشاهده می‌شود، نخست: ردای بلند به احتمال زیاد از جنس مخمل مشکی با آستین‌های بلند که روی شانه ما، سرآستین و پایین ردا سوزن‌دوزی طلایی و مرواریددوزی شده است. زیر ردا پیراهنی سبز رنگ با آستین‌های بلند که روی آن با مروارید زینت داده شده است. دوم: قبای ساده و کوتاه با آستین نیمه که زیر آن پیراهن سبز رنگ دیده می‌شود (تصویر۵).

در خواجوی کرمانی سه نمونه تن پوش به چشم می‌خورد. نخست: ردای بلند با برش‌های مختلف در ناحیه آستین و یقه‌ای به شکل برگرد که با خز تزئین شده است. در زیر این ردا دولایه که به احتمال زیاد پیراهن و زیر پیراهن می‌باشند به چشم می‌خورد. نکته قابل‌تأمل در این تن پوش وجود آستین چند لایه بارنگ و نقوش متفاوت از تنه لباس است. دوم ردای بلند، تیره و گشاد با برشی در ناحیه بالای آستین و بدون یقه. سوم: قبای بلند و چسب با آستین‌های کوتاه و یقه‌بسته که بر روی آن نقوشی محو طلایی به چشم می‌خورد (تصویر۷).

نگاره بهرام گور در خمسه نظامی با دیگر نگاره‌های این عصر ازلحاظ رنگ و نقوش به‌کاربرده شده در پوشش بانوان بسیار متفاوت است (تصویر۱۱). در این نگاره دو نوع تن پوش بر تن بانوان مشاهده می‌شود. نخست: قبایی به رنگ قهوه‌ای سوخته با آستین‌های کوتاه برش خورده بدون یقه که به زیبایی تمام پارچه با نقوش ختایی مزین شده است و لایه زیرین پیراهن آستین‌بلند با یقه‌گرد بسته با نقوش مرغابی و گل پنج پر تزئین شده است. دوم: قبایی بلند تا پشت پا، آستین‌های بلند و یقه‌هفت باز که امتداد آن به کمر می‌رسد که بر روی آن شکوفه‌های ریز طلایی سوزن‌دوزی شده است. (تصویر ۱۰).

در دوره تیموری بافتن پارچه‌های مخملی به صورت بسیار عالی متداول شد (حقیقت، ۱۳۶۹: ۳۶۸) و به نظر پارچه البسه بانوان در نگاره خمسه نظامی از جنس مخمل است. پیراهن‌های این دوره دارای دکمه‌های تزئینی فراوانی است که به آن «آهن جامه » می‌گفتند و تجار این دگمه‌های تزئینی را از چین وارد می‌نمودند (راوندی، ۱۳۸۲: ص۷۵).

تصویر ۸: نگاه کردن همای به تصویر همایون، خواجوی کرمانی (آژند، ۱۳۸۷: ۸۲)

تصویر ۹: حمله اسکندر به روئین دژ (کرباسی و دیگران، ۱۳۸۴، ۶۴)

در نگاره‌های دوره بایسنقر میرزا پاپوش‌های زیبای بر پای بانوان اشراف و ندیمه‌ها به چشم می‌خورد ازجمله بانوان نوعی پاپوش به رنگ مشکی، نوک‌تیز و بدون ساق که مقداری از روی پا را پوشانده به پادارند. پاپوش برخی از بانوان در نسخه خواجوی کرمانی هم به چکمه شباهت دارد و روی پای بانوان را کامل پوشانده و مقداری ساق و پاشنه دارد. در نگاره خمسه نظامی بانوان پاپوش مشکی بدون پاشنه که با خطوط طلایی تزئین شده به پادارند (جدول شماره ۳). در نگاره‌های دوره تیموری بانوان برای زینت بخشی خویش از زیورآلات کمی استفاده کرده‌اند و فقط در برخی نگاره‌ها بانوان از رشته‌های مروارید متصل به سرپوش، گوشواره‌های مروارید، گوشواره‌های با نگین‌دار درشت و گردنبندهای مروارید برای آراستن خود به‌کاربرده‌اند.

تصویر ۱۰: نجات بیژن از چاه به وسیله رستم، شاهنامه محمد جوکی (آژند، ۱۳۸۷: ۶۷)

تصویر ۱۱: بهرام گور در گنبد، خمسه نظامی (آژند، ۱۳۸۷: ۸۷)

ج: پوشش بانوان در مینیاتورهای سلطان حسین بایقرا

دوره سلطان حسین بایقرا اوج هنر نگارگری مکتب هرات است و این شکوه را می‌توان در پوشش بانوان مصور شده مشاهده نمود. در نگاره دیوان امیرعلیشیرنوایی سه نوع سرپوش دیده می‌شود. نخست: روسری کوتاه سه گوش با عرقچین طلایی و عصابه‌های (سربند) رنگی (تصویر ۱۲-۱۳) دوم: تاج کلاهی گنبدی شکل و طلایی با دنباله‌ای بلند که در انتها به برگی ختم می‌شود (تصویر۱۳). سوم: روسری سفید ساده و بلند تا سرشانه که لبه ای آن به شکل هلالی است. در نگاره سلطان حسین بانوان سه نوع سرپوش به سر دارند.اول: روسری سفید و ساده که بلندی آن تا زیر شانه می‌رسد دوم: نیم کلاهی کوچک .سوم: روسری بلند سفید رنگ به همراه عصابه. (تصویر۱۴) در نگاره سلسله‌الذهب جامی بانوان روسری سفید یا رنگی (سبز) بلند به همراه عرقچین‌های ساده و منقش و نوار بر سردارند (تصویر۱۵) در نگاره‌های این دوره سرپوش‌های به سبک چینی و مغولی به ندرت بر سر بانوان دیده می‌شوند و اغلب روسری‌ها شباهت فراوانی به سرپوش بانوان در عصر حاضر دارد.

تصویر ۱۲: بهرام زیر گنبد کبود، دیوان امیر علیشیرنوایی (کرباسی و دیگران،۱۳۸۴:۲۱۰)

تصویر ۱۳: شیرین و فرهاد، دیوان امیرعلیشیرنوایی (کرباسی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۱۱)

تن پوش بانوان در نگاره‌ای عصر سلطان حسین بایقرا بسیار باشکوه و الوان به تصویر درآمده است. در نگاره بهرام زیر گنبد کبود (تصویر۱۲) بانو جلیقه‌ای با نقوش اسلیمی[۶] و آستین‌های کوتاه برش خورده و بدون یقه بر تن دارد. پیراهن زیرین با یقه‌هفت باز و آستین‌های بلند و گل‌های ختایی[۷] (شاه‌عباسی) تزئین شده است و شالی سفید بر روی آن بسته شده است. به نظر می‌رسد که نقوش طلایی آن به سبک چینی بر روی پارچه نقاشی شده است. تن پوش در این دوره از لحاظ برش و تزئینات تفاوت چندانی با دوره بایسنقر میرزا نداشته است و در برخی از تن پوش ما تفاوتی کمی به چشم می‌خورد. در نگاره شیرین و فرهاد بانوان (تصویر ۱۳) دو نوع تن پوشش به چشم می‌خورد اول: قبای به نسبت گشاد و بلند به رنگ قرمز با آستین کوتاه و بلند بدون یقه با نقوش گل چند پر طلایی و پیراهن زیرین با نقوش بزرگ با آستین‌های بلند که قد آن تا روی کفش می‌رسد که بر روی آن کمربندی تیره بسته‌شده است. دوم: قباهای بلند تنگ و چسبان در ناحیه بالاتنه و کمر با آستین‌های بلند و شال‌های کمری سفید و رنگی که بر روی هریک با نقوش گل‌های چند پر و شکوفه تزئین شده است.

در نگاره‌ی سلطان حسین در گلگشت (تصویر۱۴) بانوان چهار نوع تن پوش بر تن دارند. اول:پیراهن‌های ساده و بلند دوم: قبای کوتاه با آستین‌های کوتاه که در زیر آن پیراهن گشاد و بلند پوشیده شده است سوم: تن‌پوش‌های چندلایه ردای گشاد و بلند با تزئینات خز و آستین‌های بسیار بلند و پیراهن بلند با آستین‌های به نسبت گشاد و زیر پیراهنی ساده. چهارم: ردای بلند از پارچه‌ای ضخیم با یقه خز پهن. تفاوتی که در این نگاره با دیگر نگاره های این دوره میتوان برشمرد آستین‌های

بسیار بلند تا پشت پا در تن پوش بانوان است که به وضوح تصویر درآمده است.

تفاوت در تزئینات در تن پوش بانوان در این عصر با دیگر دوره‌ها (شاهرخ - بایسنقرمیرزا) وجود کمربند با رنگ‌های مختلف همچنین گره‌های متنوع که به‌صورت تزئینی بر روی تن پوشش بانوان خودنمایی می‌کند همچنین دکمه‌های طلایی گرد و برجسته که زینت بخش البسه بانوان شده است. (جدول شماره ۱) رنگ البسه بانوان در این دوره بسیار شاد و رنگارنگ است و بارنگ تن پوش‌ها در عصر شاهرخ بسیار متفاوت است.

در نگاره‌های این دوره اغلب به دلیل بلندی تن پوش بانوان پاپوش‌ها به‌خوبی مشخص نیست اما در برخی از نگاره‌ها بانوان پاپوش‌های ساده و راحت به رنگ مشکی و قرمز و زرد بدون پاشنه به پا دارند.

از نمونه زیورآلات بانوان در این دوره گوشواره‌ای طلایی با نگین اشک قرمز رنگ و گردنبندی بلند و سفید با برش‌های مستطیلی است (تصویر۱۳). با اینکه نگاره‌های دوره بایسنقر میرزا و سلطان حسین در بازه زمانی طولانی نزدیک به شصت سال به تصویر درآمدند اما در سبک، نقوش همچنین تزئینات البسه بانوان تغییرات چندانی به چشم نمی‌خورد.

تصویر ۱۴: سلطان حسین در گلگشت، (schimmel, 1999: 111)

تصویر ۱۵: راندن فریبکار شیاد، سلسله الذهب جامی (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۳۶)

جدول ۱: کاربرد نقوش و تزئینات پوشش بانوان در هر دوره (نگارنده، ۱۳۹۹)

دوره	مرواریددوزی	شال و کمربند	خز دوزی	زری‌دوزی	نقوش حیوانی	نقوش گیاهی	نقوش هندسی
شاهرخ	------	بسیار محدود	------	----	------	------	بسیار محدود
بایسنقرمیرزا	زیاد	زیاد	زیاد	زیاد	متوسط	زیاد	زیاد
سلطان حسین	متوسط	زیاد	متوسط	----	------	متوسط	متوسط

جدول ۲: سیر تحول شلوار بانوان در دوره تیموری (نگارنده، ۱۳۹۹)

دوره	شلوار سفید تنگ	شلوار سفید منقش	شلوار رنگی ساده	شلوار رنگی منقش
شاهرخ	------	-------	---------	--------
بایسنقرمیرزا				
سلطان حسین	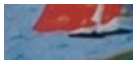	--------		--------

جدول ۳: سیر تحول پاپوش بانوان در دوره تیموری (نگارنده،۱۳۹۹)

دوره	جوراب	کفش ساده	کفش نوک‌تیز	کفش منقش	کفش پاشنه‌دار	کفش ساق دار	صندل
شاهرخ		---	----		------	-----	
بایسنقرمیرزا	-----		-----				---
سلطان حسین	----			-----	------	----	---

جدول۴: بررسی سیر تحول سرپوش بانوان در دوره تیموری (نگارنده،۱۳۹۹)

دوره	تاج طلایی	کلاه گرد پردار	کلاه حصیری	کلاه با تزئین گل	کلاه کشیده شبیه پرنده	روسری سفید ساده	روسری منقش	تاج کلاه	تاج سه و پنج شاخه
شاهرخ				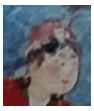	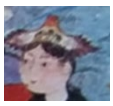	----	----	----	-----
بایسنقر میرزا	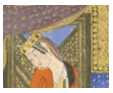	-----	---	-----	---				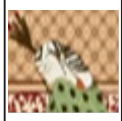
سلطان حسین		-----	----	---	-----		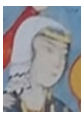	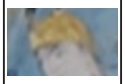	-----
دوره	عصابه با روسری بلند	کلاه با دسته مشکی	سربند رنگی با دسته مشکی	چادر	عصابه	نیم تاج	نیم تاج و روسری	روسری بلند	روسری سه گوش با عرف چین
شاهرخ	--------	-----	--------	----	------	----	-----	----	-----
بایسنقر میرزا			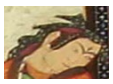		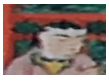				-----
سلطان حسین	---------		----	----		----	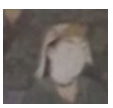		

جدول ۵: بررسی سیر تحول تن پوش بانوان در دوره تیموری (نگارنده، ۱۳۹۹)

دوره	ردا بلند منقش	قبا آستین‌کوتاه منقش	ردا بلند و ساده	پیراهن ساده	پیراهن منقش	قبا با یقه برگرد	قبا آستین‌بلند منقش
شاهرخ		------	-------		-------		-------
بایسنقر میرزا				------			------
سلطان حسین	-------						-------
دوره	ردا با تزئین خز	ردا با مروارید و زری‌دوزی	ردا با آستین برش خورده	جلیقه	قبا آستین‌کوتاه منقش	پیراهن زیرین ساده	قبا آستین‌کوتاه ساده
شاهرخ	--------	--------	-----	--------	-----	------	
بایسنقر میرزا			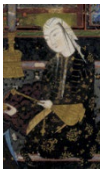	------			
سلطان حسین		--------	--------		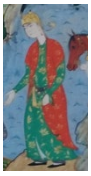		

نتیجه‌گیری

حکومت تیموریان در ایران یکی از ادوار درخشان در زمینه هنرهای اسلامی به ویژه نگارگری بوده است. در نگاره‌های دوره تیموری بانوان با پوشش‌های متنوعی به تصویر درآمدند که نشان از اوج هنر نگارگری ایرانی است. در بررسی نگاره‌های این دوره به این نتیجه می‌رسیم که پوشش بانوان در نگاره‌های دوره شاهرخ تحت تأثیر هنر چین در دوره مینگ بوده است. سرپوش‌های این دوره تداعی‌کننده سرپوش‌های مغولی و جنبه تزئینی داشته‌اند و تن‌پوش‌ها با رنگ‌های گرم و تیره و لایه‌های محدود و بدون تزئین یادآور سبک گذشته (ایلخانی) است .

در دوره بایسنقر میرزا مکتب هرات راه خود را از سبک

چینی و عناصر آن به سمت سبک ایرانی پیمود و می‌توان تأثیر هنر ایرانی و غلبه آن بر هنر گذشته را در پوشش بانوان این دوره مشاهده نمود. سرپوش‌های بانوان در این دوره علاوه براینکه نشان‌دهنده زیبای و موقعیت بانوان بودند،کم‌کم جنبه پوشانندگی و حفظ حجاب را هم به خود گرفتند. در این دوره با انواع تاج‌ها، نیم‌تاج‌ها، تاج کلاه‌ها و کلاه‌های مغولی همچنین روسری‌های کوتاه با نقوش هندسی و روسری‌های بلند ابریشمی و چادر به سبک امروزی مواجه می‌شویم. تن پوش بانوان این دوره با رنگ‌هایی گرم و نقوش ایرانی درهم آمیخته شده است. برخلاف عصر شاهرخ تن پوش بانوان از لایه‌های متعددی تشکیل شده که لایه‌های رنگی لباس از لابه‌لای چین دامن و یقه خودنمایی می‌کند. در این دوره انواع رداها با پارچه‌های ساده و نقش دار، قباهای بلند و چسب و زری‌دوزی شده و پیراهن‌های گشاد و پر نقش و نگار به چشم می‌خورد. تزئینات لباس بانوان در نگاره‌های عصر بایسنقر میرزا چون زری‌دوزی‌های طلایی‌رنگ، نقوش اسلیمی، خزدوزی دوریقه، مرواریددوزی زیبایی خیره کننده‌ای به تن پوش‌ها بخشیده است. پاپوش بانوان به دلیل تن‌پوش‌های بلند کمتر به چشم می‌خورد بااین‌حال می‌توان کفش‌های راحت مشکی و رنگی بدون پاشنه، چکمه و نیم چکمه‌های مشکی و قهوه‌ای را در نگاره‌های این دوره مشاهده نماییم. با بررسی نگاره‌های سلطان حسین بایقرا می‌توان این‌گونه بیان نمود که در این دوره استفاده از لایه‌های متعدد و تزئینات تن‌پوش حد متعادل‌تری از دوره پیش (بایسنقر میرزا) به خود گرفته است. سرپوش بانوان به صورت ساده و با تنوع کمتری به چشم می‌خورد و اغلب بانوان روسری‌های کوتاه منقش و ساده با عرقچین بر سر دارند. در دوره سلطان حسین عصابه یا سربند رواج زیادی داشته است که بیشتر مخصوص بانوان مغولی دربار بوده است. تن پوش در این دور مشابه تن‌پوش‌های دو دوره قبل است و تنها تغییر جلیقه‌ای زیبا از جنس مخمل که به سبک امروزی برش خورده است. نتیجه کلی ازلحاظ برش تن پوش‌های دوره شاهرخ بسیار ساده و چسب بوده است اما در دوره بایسنقرمیرزا شاهد تغییر نوع الگوی تن‌پوش‌ها هستیم. تن‌پوش‌ها حالت گشاد و آزادتری به خود می‌گیرد و برای هر فرد الگوی خاص او طراحی می‌شده است.پیراهن‌هایی با برش‌های در ناحیه کمر و چین‌دار می‌توان دید و دوره سلطان حسین امتداد همان الگوهای گذشته است بااین‌حال الگوهای تن‌پوش‌ها در این دوره تقریب شصت ساله با تغییرات کمی همراه بوده است اما سرپوش بانوان در این سه دوره با تغییرات عمده ای همراه بوده که هر دوره چندین سرپوش منحصر به فرد را در خود جای داده است و هر چه از عصر شاهرخ می‌گذرد سرپوش‌های مغولی کمتر به چشم می‌خورد.

پی نوشت:

۱- کتابی که سفر پیامبر اکرم (ص) را از مسجدالحرام به مسجدالاقصی و در انتها ملاقات با خالق هستی در سدره المنتهی را روایت می‌کند. این نسخه برای شاهرخ در هرات (۸۴۰ ق.۱۴۳۶ م) نسخه‌برداری شده است و امروزه در موزه پاریس نگهداری می‌شود. (رهنورد، ۱۳۸۶: ۶۴).

۲ - در حال حاضر از این کتاب دو نسخه موجود است. نسخه‌ی اول متعلق به پرنس آقاخان در حدود سال ۸۲۸ ه؛ و نسخه دوم در سال ۸۲۹ ه. ق کتابت شده و امروزه به کتابخانه توپ قاپی سرای استانبول تعلق دارد (پوپ،۱۳۸۷: ۱۱۹).

۳ -Song

۴- به معنی خیاط

۵- «آلتی که بدان کیسی و چین و نورد جامه راست کنند و پیشازاین بجای آلت آهنین کنونی نیم خمی را برجایی نصب کردندی و بزیرآتش افروختندی و جامه بر نیم خم کشیدند» لغتنامه دهخدا.

۶ - اسلیمی به طرح‌های تزئینی گلوبته گفته می‌شود یا طرح هندسی تزئینی که به‌صورت تنیده در هم بافته شده است (ماچیانی، ۱۳۸۰: ۲۸) این نوع نگاره به صورت ابتدایی در آثار دوره‌های پیش از اسلام ایران و در نهایت در دوره اسلامی کمال یافت، از دوره‌های سلجوقی و تیموری نام اسلیمی را پذیرفته است (ندیم، ۱۳۸۶: ۱۵)

۷- این گل زیبا از تلفیق طرح‌های اسلیمی، ختایی، ابرهای چینی و گاهی گل‌های پنج پر به وجود می‌آید (ندیم، ۱۳۸۶: ۱۷).

منابع:

۱. ابن بطوطه، شرف الدین. (۷۷۹-۷۰۴)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمد *علی* موحد، (۱۳۷۰) تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۲. ابن عربشاه، احمدبن محمود. (۸۵۴-۷۹۱)، *زندگانی شگفت‌آور تیمور*، ترجمهٔ محمدعلی *نجاتی*، (۱۳۵۶)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۳. اسکندری، علی جان. (۱۳۸۳)، *بایسنقر میرزا فرزند ملکه گوهرشاد آغا بانی هنر در کتابت، بازوی پدر در سیاست*، مشکوه، شماره ۸۴-۸۵، ص ۱۹۹-۲۰۷

۴. اشپولر، برتولد. (۱۹۵۳)، *تاریخ مغول در ایران*، ترجمه میر *آفتاب*، (۱۳۸۶) تهران: علمی و فرهنگی

۵. انصاری یکتا، مریم و احمدی پیام، رضوان. (۱۳۹۳)، «*بررسی تطبیقی پوشش زنان تصویر شده در شاهنامهٔ بایسنقری و شاه طهماسبی*»، زن در فرهنگ و هنر، شماره ۴، صص ۵۵۱-۵۳۱

۶. آژند، یعقوب. (۱۳۸۷)، *مکتب نگارگری هرات*، تهران: فرهنگستان هنر

۷. آژند، یعقوب. (۱۳۸۶)،*کتابت خانه و صورت خانه* در مکتب، مجله گلستان هنر، زمستان، شماره ۱۰، ص ۱۸-۲۳

۸. آژند، یعقوب. (۱۳۸۴)، «*کارگاه هنری سلطان حسین بایقرا*»، نشریه هنرهای زیبا، شماره۱۲، ص ۱۲-۱۹

۹. پوپ، آرتور. (۱۳۸۷)، *سیر و صور نقاشی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی

۱۰. جکسن، پیتر. (۱۳۷۸)، *تاریخ ایران دوره تیموریان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی

۱۱. حافظ ابرو. (۱۳۸۰)، *زبده التواریخ* ، ج ۱، تصحیح سید کمال حاج سید جوادی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱۲. حقیقت، عبدالرفیع. (۱۳۶۹)، *تاریخ هنرهای ملی و هنرمندان ایرانی از کهن ترین زمان تا پایان دوره قاجار*، بی جا، شرکت مولفان و مترجمان ایران

۱۳. دوغلات، حیدر میرزا. (۱۳۸۳)، *تاریخ رشیدی*، تصحیح عباس قلی غفاریفرد، تهران: میراث مکتوب

۱۴. دولتشاه سمرقندی. (۱۳۳۸)، *تذکرة الشعرا*، تهران: کلاله خاور

۱۵. راوندی، مرتضی. (۱۳۸۲)، *تاریخ اجتماعی ایران*، ج۷، تهران: نگاه

۱۶. رحم خدا، رقیه. (۱۳۹۵)، «*بررسی دستاوردهای علمی در عصر شاهرخ*»، مجله تاریخنامه خوارزمی، سال سوم، ص۱۰۶-۱۱

۱۷. رضانژاد یزدی، الهه، شریعت پناهی، ماهیار، اسد بیگی، اردشیر. (۱۳۹۶)، «*بررسی جایگاه اجتماعی بانوان با تأکید بر پوشش بانوان در نگاره‌های عصر تیموری*» مجله پژوهشنامه زنان، شماره ۱۹، ص۱-۳۳

۱۸. رهنورد، زهرا. (۱۳۸۶)، *تاریخ هنر در دوره اسلامی*: نگارگری، تهران: سمت

۱۹. زکی، محمد حسن. (۱۳۳۸)، *تاریخ نقاشی در ایران*، مترجم ابوالقاسم سحاب، تهران: چاپ دانش

۲۰. سودآور، ابوالعلاء. (۱۳۸۰)، *هنرهای دربارهای ایران*، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، تهران: نشر کارنگ

۲۱. شایسته فر، مهناز. (۱۳۸۱)، *تأثیر مذهب بر نگارگری عصر تیموری با تاکید بر عناصر تصویری*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، پاییز، شماره۲۹-۳۰، ص۱۳۲-۹۳

۲۲. شیرازی، فائقه. (۱۳۷۰)، *پوشاک زنانه در دوران تیموریان*، مجله کلک، شماره ۲۳و۲۴، ص۱۹۱-۱۹۸

۲۳. غیبی، مهرآسا. (۱۳۸۷)، *هشت هزار سال تاریخ پوشاک اقوام ایرانی*، تهران: هیرمند

۲۴. فرهانی منفرد، مهدی. (۱۳۸۲)، *پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان*، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

۲۵. فیاض انوش، ابوالحسن. (۱۳۷۶)، *هرات دوره تیموری*، کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۸، صص۱۸-۲۱

۲۶. قپانداران، وجیهه. (۱۳۸۹)، *تاریخ پوشاک ایرانیان (از باستان تا عصر حاضر)*، قم: مهر بیکران

۲۷. کاظمی، خدیجه. (۱۳۸۹)، *آرایش و پوشش زنان از عهد مغول تا پایان دوره ی قاجار*، تهران: اندیشه زرین
۲۸. کاوسی، ولی الله. (۱۳۸۷)، «*زمینه‌های توسعه هنر در دوره تیموریان*»، آینه خیال، شماره ۲۴، ص۲۷-۱۲
۲۹. کرباسی، کلود، پرهیزگاری، ماری، پریشان‌زاده، پیام. (۱۳۸۴)، *شاهکارهای نگارگری ایران*، تهران: موزه هنرهای معاصر
۳۰. کلاویخو، گونزالس. (۱۳۳۷)، *سفرنامه کلاویخو*، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۳۱. ماچیانی، حسینعلی. (۱۳۸۰)، *طرح و تذهیب*، تهران: یساولی
۳۲. *مجموعه مینیاتورها و صفحات مذهب شاهنامه فردوسی* _نسخه دوره بایسنقری. (۱۳۷۰)، تهران: سروش
۳۳. محمدی، رامونا. (۱۳۶۰)، *تاریخ سبک‌شناسی نگارگری و نقاشی ایرانی*، تهران: فارسیران
۳۴. موگوئی، داریوش، میرجعفری، حسین، یوسف جمالی، محمد کریم. (۱۳۹۳)، «*فعالیت شهرُ سازی تیموریان در شهرهای سمرقند و هرات*»، پژوهشنامه تاریخ، شماره ۳۶، ص ۱۴۰-۱۵۶
۳۵. ندیم، فرناز. (۱۳۸۶)، «*نگاهی به نقوش تزئینی در هنر ایران*»، مجله رشد آموزش هنر، شماره ۴، ص ۱۴-۱۹
36. Annemarie Schimmel(1999),master of persian,l.B.tauris,London-New york,
37. Marie-Rose Segu(1936-1337)y, Miraj nameh, Bibliothegue Nationale,Paris
38. www. Davidmus.dk